یارانه دولتی «آموزش عالی» در جیب ثروتمندان!

پرداخت منابع دولتی به آموزش عالی در کشور، منجر به دستیابی به هیچ‌کدام از دو هدف عدالت آموزشی و یا افزایش کارآیی آموزشی نشده است. خصوصا به علت ضعف نظام سنجش و پذیرش دانشجو، یارانه آموزش عالی عملا به جیب دهک‌های بالایی جامعه می‌رود!

عمومِ مردم، دانشگاه آزاد و موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی را با دو ویژگی توأم پولی بودن و ارزش پایین مدرک تحصیلی می‌شناسند که در عین حال که شهریه‌های سنگینی را از دانشجویان خود دریافت می‌نمایند، فاقد استانداردها و کیفیت آموزشی لازم هستند.

بر این اساس، دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان فشار زیادی را متحمل می‌شوند تا بلکه جزو حدود ۲۰ درصد ورودی‌های سالانه آموزش عالی قرار بگیرند که شانس حضور در دانشگاه‌های دولتی را به دست آورده و معاف از پرداخت هرگونه شهریه و هزینه آموزشی باشند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه کسانی در این رقابت گوی سبقت را از دیگران می‌ربایند و به افتخار ورود به دانشگاه‌های دولتی نائل می‌شوند؟

مطالعات نشان داده است که عمدتاً فرزندان خانواده‌های طبقات بالای اقتصادی و اجتماعی به این فرصت‌ها دست پیدا می‌کنند و افرادی بیشتر در رشته‌های ممتاز قبول می‌شوند که در دبیرستان‌های غیرانتفاعی تحصیل کرده‌اند؛ یعنی آموزش عالی رایگان دولتی که بدون هدف توزیعی است نه تنها به توزیع برابر درآمد و ثروت کمک نمی‌کند، بلکه آن را نامتوازن نیز می‌سازد. این در حالی است که دانشجویان نظام آموزش عالی مبتنی بر شهریه (دانشگاه آزاد و غیرانتفاعی) که اکثراً از خانواده‌های متوسط و متوسط به پایین جامعه هستند، به وام مناسب و پایدار تحصیلی دسترسی ندارند.

طبق اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «تأمین وسائل تحصیلات عالی تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان» وظیفه دولت می‌باشد. معنای اصطلاح «حد خودکفایی» روشن نیست و می‌توان معانی مختلفی از آن برداشت کرد؛ اجمالاً در این گزارش، این اصطلاح را به صورت «فراهم نمودن امکانات و حمایت‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی و تولید علوم مورد نیاز، جهت دستیابی به اهداف تعیین شده در اسناد و برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت کشور» ترجمه و استفاده می‌کنیم.

در وضعیت فعلی، هم تخمین مشخصی از نیاز حال و آینده کشور به تعداد نیروی متخصص در رشته‌های مختلف انجام نشده است و در نتیجه حد خودکفایی کشور معلوم نیست و هم تقاضای اجتماعی آموزش عالی به قدری بوده است که تأمین هزینه‌های آموزشی همه متقاضیان از توان بودجه محدود دولتی خارج است. با احتمال زیاد می‌توان گفت که در حال حاضر، تقاضای ورود به آموزش عالی بیشتر از نیاز فعلی بازار به دانش‌آموختگان دانشگاهی است و فشار عرضه بر کشش تقاضا غلبه دارد. با این احوال، سؤالی که مطرح می‌شود این است که دولت بودجه آموزشی خود را در کجا مصرف نماید؟ آیا باید منابع خود را به طور برابر بین همه متقاضیان و دریافت‌کنندگان آموزش توزیع کند و مابقی هزینه‌ها را خود متقاضیان تأمین نمایند یا اینکه، دولت تلاش کند هزینه کامل آموزش هر تعداد دانشجو را که می‌تواند بپردازد و متقاضیان دیگر، خود کل هزینه آموزششان را بر عهده گیرند؟

پاسخ به این سؤال، نیازمند رجوع به اقتصاد آموزش عالی و مبانی دخالت دولت‌ها در ارائه خدمات آموزشی است. بر اساس اقتصاد آموزش عالی، دولت‌ها در اختصاص منابع به بخش آموزش عالی شامل ارائه دهندگان (دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی) و دریافت‌کنندگان (خانواده‌ها یا دانشجویان)، دو هدف عمده را پیگیری می‌کنند: نخست؛ دستیابی به عدالت آموزشی و امکان دسترسی برابر افراد به فرصت‌های آموزشی و دوم؛ افزایش کارایی آموزشی.

تاکنون، دولت تلاش کرده است که از طریق سازوکار پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و از طریق تعریف سهمیه مناطق تحصیلی، موجبات پذیرش دانشجویان طبقات پایین و کم‌برخوردار در دانشگاه‌های دولتی را فراهم و در نتیجه به برقراری عدالت آموزشی کمک کند؛ اما نتایج حاصل از این سازوکار نشان می‌دهد که در عمل موفق نبوده است و به علت معضلات و مشکلاتی که در زمینه سنجش دانش و استعداد دانش‌آموزان (سیستم کنکور) وجود دارد؛ عملاً فرزندان طبقات مرفه به علت برخورداری بیشتر از فرصت‌ها و امکانات آموزشی، همچنان شانس بیشتری برای پذیرش و ورود به دانشگاه‌های دولتی رایگان دارند. اصلاح سیستم سنجش دانش‌آموزان (کنکور)، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است اما در این گزارش برآنیم تا از طریق ابزارهای مالی نیز راه‌حلی برای برقراری برابری و عدالت آموزشی بیابیم.

همان طور که اشاره شد یکی از مقاصدی که دولت می‌تواند با استفاده از سیاست‌های خود در تأمین مالی آموزش عالی دنبال کند، رفع نابرابری‌های آموزشی است؛ ولی به نظر می‌رسد تابه‌حال دولت چنین هدفی را در نظام تخصیص بودجه آموزشی خود منظور نداشته و برای ایجاد عدالت آموزشی سهمی را از منابع مالی خود معین نکرده است؛ در عوض همه منابع خود را با سازوکاری واحد (روش چانه‌زنی) بین دانشگاه‌ها توزیع می‌کند.

به نظر می‌رسد برای استفاده از تأمین مالی آموزش عالی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت در سیاستگذاری و حکمرانی این بخش، در راستای عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی به امکانات آموزشی، بایستی سهمی از بودجه آموزش عالی به این امر اختصاص داده شود و این سهم نه به ارائه‌کنندگان آموزش عالی (دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی)، بلکه به استفاده‌کنندگان آن (همه دانشجویان) تعلق بگیرد. این راهکار برخلاف روش فعلی که عرضه محور بوده و منابع مالی بر اساس هزینه‌های موسسات (اغلب هزینه کارکنان) اعطا می‌شود، تقاضامحور است و موجب ایجاد رقابت میان دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو نیز می‌شود.

به گزارش عیارآنلاین، سازوکاری که اکثر کشورهای پیشرفته (حدود ۶۰ کشور) بدین منظور طراحی کرده‌اند، استفاده از طرح‌های «وام دانشجویی» است. در این شیوه، دانشگاه‌ها مجاز می شوند که از همه دانشجویان شهریه دریافت کنند. دانشجویان و خانواده‌هایی که تمکن مالی لازم را برای پرداخت شهریه داشته باشند، از این نظر به مشکلی برنمی‌خورند. اما در مورد دانشجویان خانواده‌های کم‌درآمد (چه در دانشگاه‌های دولتی و چه در دانشگاه آزاد و موسسات غیرانتفاعی)، دولت امکان ارائه کمک‌های مالی بلاعوض و وام‌های کم‌بهره را فراهم می‌کند که بر اساس دو معیار نیاز دانشجو و نیز توانمندی علمی وی اعطا می‌شود. بازپرداخت وام‌ها به بعد از فارغ‌التحصیلی و موقع اشتغال وام‌گیرنده موکول می‌شود و نحوه استهلاک وام می‌تواند به صورت اقساط ثابت و تصاعدی متناسب با افزایش درآمد افراد در طول زندگی کاری یا مالیات بر تحصیل صورت پذیرد.

فلسفه این شیوه، آن است که کسانی که ذی‌نفع اصلی آموزش هستند، هزینه آن را بپردازند. دانشجویان در قبال پرداخت شهریه، کیفیت آموزشی بالایی را از دانشگاه‌ها مطالبه می‌کنند و از طولانی‌تر کردن بی‌مورد تحصیل خودداری می‌ورزند. دانشگاه‌ها هم مجبور می‌شوند برای جذب دانشجویان بهتر و بیشتر، هزینه‌های خود را واقعی نموده و به بهبود کیفیت خدمات خود جهت رقابت با دانشگاه‌های دیگر اقدام کنند. اما مهم‌ترین مزیت این شیوه، ارتقای عدالت آموزشی و هدایت یارانه آموزش عالی به سمت خانواده‌ها یا دانشجویان کم‌درآمد است که در گذشته کاملاً برخلاف آن عمل شده است.

گفته شد که بخش دیگری از بودجه آموزشی دولت نیز باید جهت افزایش کارایی و بهبود کیفیت خروجی‌های آموزش عالی (نیروی انسانی و تولیدات علمی) جهت خودکفایی و پاسخ به نیازهای ملی مصرف شود. ملاحظه می‌شود که روال فعلی تخصیص منابع مالی آموزش عالی نه با این قصد تعریف شده و نه در عمل به چنین نتیجه‌ای منجر می‌شود. نهاده‌محوری و افزایش بودجه دانشگاه‌ها بر اساس نرخ تورم، مدت زمانی است که در نظام‌های آموزشی عالی پیشرو کنار گذاشته شده و تأمین مالی مبتنی بر عملکرد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از طریق تعریف طرح‌ها و پروژه‌هایی در حوزه‌های مورد نیاز کشور جایگزین آن شده است.

اشاره

آنچه در زیر می‌خوانید، گزیده‌ای از سخنرانی تفصیلی استاد حسن رحیم پورازغدی در همایش «چرایی تسخیر لانه جاسوسی» است که اوایل ماه جاری به همت بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف برگزار گردید.

*** یکی از دانشگاه‌هایی که برای آن تور پهن کرده‌اند همین دانشگاه شریف است. آدم دارند که نخبگان این دانشگاه را در تور اطلاعاتی و جاسوسی خود بیندازند تا این افراد به درد ملت خود نخورند.**

*** براساس اسناد به دست آمده در دانشگاه‌های بزرگ چندین استاد جاسوس بوده‌اند و شاید برخی هم الان باشند، حتی در بین کارمندان دانشگاه‌ها هم جاسوس داشته‌اند و تشکل دانشجویی را آنها ایجاد کرده بودند.**

گفتاری از استاد رحیم پورازغدی

سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی در کمین نخبگان دانشگاهی!

پس از تسخیر سفارت آمریکا برنامه این بود که کمیته ویژه‌ای در ایران برای صدور ویزا راه‌اندازی شود تا نوکرهای خود را که در کشورمان گرفتار شده بودند فراری دهند. البته بخشی از آنها حتی در سطح وزیر رژیم طاغوت الان همین‌جا هستند و فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند به گونه‌ای که می‌توان گفت که امروز شبکه‌های صهیونیستی و فراماسونری در تهران فعالیت دارند و در حکومت هم هستند.

یکی از دانشگاه‌هایی که برای آن تور پهن کرده‌اند همین دانشگاه شریف است. آدم دارند که نخبگان این دانشگاه را در تور اطلاعاتی و جاسوسی خود بیندازند تا این افراد به درد ملت خود نخورند.

پس از انتشار اسناد به دست آمده در سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام(ره) دیگر نگذاشتند که این اسناد منتشر شوند و شاید این خودش نیز یک توطئه است.

امیدواریم دانشجویان که آینده‌سازان این کشور هستند در این دوره از خیانت‌هایی که آمریکا به کشورمان کرده درس بگیرند و آنها نیز گزیده نشوند. ما پیش از انقلاب و چندین بار پس از انقلاب از آمریکا ضربه خورده‌ایم و متاسفانه در این ۳۸ سال نیز اسناد لانه جاسوسی را به دقت مورد بررسی قرار نداده‌ایم تا گرفتار نشویم.

اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی می‌تواند به عنوان یک پروژه تحقیقاتی که تمام جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، امنیتی، بین‌المللی و توطئه‌شناسی را دربر می‌گیرد مطرح شود.

آمریکایی‌ها چندین بار تلاش کرده‌اند تا با ایجاد درگیری‌های داخلی و دامن زدن به مسائل قومیتی و مذهبی و همچنین به راه انداختن دعوای بین ایران و اسلام و دعوای بین طرفدار پیشرفت و مخالف پیشرفت کشور را به چالش بکشانند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی کاخ سفید، CIA و پنتاگون سریعا اعلام کردند که بزرگترین شکست برون‌مرزی تاریخ سیاسی آمریکا را متحمل شده‌اند. در واقع کارشناسان سیا اعتراف کرده بودند که حاضرند تمام کشورهای مستعمره این کشور را از دست بدهند اما این اتفاق در خصوص ایران و اسرائیل نیفتد چراکه کشورمان دارای ذخایر نفتی بود و از طرفی چون ما در همسایگی شوروی قرار داشتیم آنها دوست نداشتند که ایران را از دست بدهند.

در واقع آمریکایی‌ها معتقد بودند که اگر ایران از دست برود اسرائیل هم از دست می‌رود و الان این اتفاق افتاده است. واقعیت این است که ایران و اسرائیل خط قرمزهای آمریکا بوده‌اند به گونه‌ای که تا پیش از انقلاب قریب به ۱۰۰ هزار مستشار و جاسوس آمریکایی و انگلیسی در کشورمان حضور داشته‌اند.

با وجود هزاران مستشار و جاسوس آمریکایی و انگلیسی در کشورمان تمام روسا موظف بودند که به آنها گزارش بدهند و این وضعیت عزت در ایران بود. در واقع دانشگاه، نفت، ارتش، بندرگاه‌ها، رادیو و تلویزیون و گمرکات ما کاملا تحت پروژه آمریکایی‌ها بوده است.

در یکی از تحلیل‌های به دست آمده در اسناد لانه جاسوسی، آمریکایی‌ها مطرح کردند که انقلاب‌های روسیه، فرانسه و با تسامح انقلاب چین بزرگترین انقلاب‌ها بوده‌اند اما در هیچ کدام از این کشورها جمعیتی به گستردگی جمعیت انقلاب ایران به خیابان نیامدند.

در جریان انقلاب لیبرالی فرانسه ۸۰ هزار نفر سر بریده شدند و در انقلاب روسیه نیز میلیون‌ها نفر کشته شدند. انقلاب فرانسه بعد از مدت کوتاهی به دست ناپلئون افتاد و او دوباره با اعلام امپراطوری دست به کشتار زد.

در اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی آمریکا ۳۰ تا ۴۰ سند راجع به زبان به دست آمده، در این اسناد گفته شده که در هر کشوری که زبان کشور دیگری به صورت رسمی پذیرفته شود این کشور فرهنگ خود را کنار می‌گذارد و فرهنگ آن کشور را می‌پذیرد در واقع فرانسه، روسیه و انگلیس هر کدام زبان‌های کشورهای خود را در کشورهای مستعمره اجباری کردند و زبان انگلیسی هم در ایران اجباری شد چون ما مستعمره انگلیس بودیم البته این زبان الان هم در کشورمان اجباری است.

غربی‌ها زبان خود را زبان تمدن و زبان جهانی شدن می‌دانستند، پس از انقلاب اسلامی سیا پروژه‌ای را در کشورمان به این منظور که حالا که ایران را از دست داده‌اند باید چه بکنند، طراحی کرد.

هیچ کس باور نمی‌کرد انقلاب اسلامی در ایران پیروز شود چون آمریکایی‌ها در کشورمان اشراف امنیتی کامل داشتند. از اسنادی که در لانه جاسوسی به دست آمده خیلی از افراد از جمله عوامل دولت موقت همچون امیر انتظام، استاندار آذربایجان و حتی برخی از افرادی که در مجلس خبرگان اول قانون را نوشتند جاسوس سیا بودند.

بعد از انقلاب حتی آمریکایی‌ها تا بیوت مرجعیت نیز نفوذ کرده بودند به گونه‌ای که چند نفر از مرجعیت با امام درافتادند. افرادی همچون سیدکاظم شریعتمداری که مقلدین زیادی هم داشت، سید صادق روحانی و قمی که در مشهد بود در مقابل امام ایستادند با این وجود امام دستور داد که آنها را حصر خانگی کنند.

کاظم شریعتمداری از قبل با ساواک و بعد با سیا ارتباط داشته و در حد کودتا علیه امام با بختیار و سلطنت‌طلب‌ها همکاری داشته است. در هر حال امام دستور داد که با آنها برخورد نشود ولی حصر خانگی شوند و دیگر فعالیت سیاسی هم نکنند.

براساس اسناد به دست آمده در دانشگاه‌های بزرگ چندین استاد جاسوس بوده‌اند و شاید برخی هم الان باشند، حتی در بین کارمندان دانشگاه‌ها هم جاسوس داشته‌اند و تشکل دانشجویی را آنها ایجاد کرده بودند.

امروز جنگ پنج شش ساله منطقه ادامه جنگ هشت ساله ماست، جنگ هشت ساله جنگ جهانی سوم بود و امروز جنگ پنج شش ساله منطقه جنگ جهانی چهارم است اگرچه آنها در این جنگ از بمب اتم استفاده نکردند. واقعیت این است که غربی‌ها نمی‌گذارند که منطقه نفس بکشد به گونه‌ای که پس از خنثی شدن هر توطئه‌ای توطئه جدیدی را رقم می‌زنند.

تحریم‌های علیه کشورمان همواره وجود داشته و اینکه برخی‌ها می‌گویند تحریم‌ها به خاطر فعالیت‌های هسته‌ای بوده این گونه نیست، آقایان می‌گویند که اگر قرار باشد آمریکا از توافق هسته‌ای کنار بکشد اروپا که هست مسئله این است که در آن زمان هر کسی هر چیزی می‌گفت به او می‌گفتند که جنگ طلب است در هر حال هر کسی اسناد را بخواند می‌فهمد که اینها یا حماقت کردند و یا بحث نفوذ مطرح است.

آمریکایی‌ها در اول انقلاب هر کجا که می‌خواستند جاسوس داشته‌اند با این وجود سوال این است که آیا الان آنها نمی‌توانند در بین نخبگان ما جاسوس داشته باشند؟

آمریکایی‌ها از کمونیست‌ها تا مرجعیت و تجزیه‌طلب‌ها و ملی‌گراها که ضد هم بودند را در یک پروژه به کار می‌گرفتند در حالی که خودشان هم نمی‌فهمیدند. سوالی که مطرح است این است که چرا در آمریکا تقسیم قدرت براساس قومیت، دین و مذهب صورت نمی‌گیرد اگر این تقسیم‌بندی قدرت در اروپا اتفاق بیفتد کشورهای اروپایی به ۳۵ کشور تجزیه می‌شوند.

در برخی از ایالت‌های آمریکا اجازه دادند که برخی مدیران مسلمان روی کار بیایند منتهی مشروط بر اینکه رویکرد آنها مسلمانی نباشد و یا اینکه در انگلستان صادق خان مسلمان که همجنس‌باز و طرفدار همجنس‌بازی و طرفدار اسرائیل است به عنوان شهردار لندن انتخاب شده است. بحث این است که صادق خان چه ربطی به اسلام دارد در واقع اینها همه بازی و فریب است.

اگر تقسیم‌بندی قدرت در اروپا براساس مذهب و قومیت اتفاق بیفتد کشورهای اروپایی به ۳۵ کشور تبدیل می‌شوند، به عنوان نمونه می‌توانیم به جدایی‌طلبی کاتالونیا و باسک در اسپانیا اشاره کنیم و یا اینکه اگر این مبنای تقسیم‌بندی نیز در ایتالیا اتفاق بیفتد این کشور به سه کشور تقسیم می‌شود.

اگر تقسیم‌بندی قدرت در آمریکا نیز بر همین اساس صورت بگیرد هر ایالت این کشور به یک کشور تبدیل می‌شود، اظهار کرد: همین الان پنج ایالت آمریکا به دنبال تجزیه‌طلبی و استقلال هستند.

تقسیم‌بندی قدرت براساس قومیت، دین و مذهب با این هدف صورت می‌گیرد که نطفه جنگ قومیتی شکل بگیرد تا یک حاکمیت نتواند به صورت مستقل تشکیل و برای پیشرفت کشور برنامه‌ریزی کند.

اگر آنها زورشان به تقسیم‌بندی قدرت براساس قومیت، مذهب و دین نرسد می‌گویند که براساس جنسیت باید قدرت تجزیه شود.

فرح دیبا در یکی از مصاحبه‌های خود به انتقال شاه به یکی از بیمارستان‌های آمریکا اشاره کرده است، او می‌گوید که محمدرضا شاه را به دلیل ابتلای به بیماری سرطان به یکی از بیمارستان‌های آمریکا منتقل کرده بودند که در آنجا ما را در یک اتاقی که پنجره‌های آن را بسته بودند مستقر کردند اگرچه علت آن را مسائل امنیتی می‌گفتند ولی وقتی که بررسی کرده‌ایم متوجه شدیم که آنجا بیمارستان روانی‌هاست و من در اینجا به خاطر این برخورد با شاه و فرح که چند دهه به ملت خیانت کردند و نوکر آمریکا بودند غصه خوردم.

ما در کشورمان بیمارستان مناسبی نداشتیم فرح به عناوین مختلف به ساخت بیمارستان در آمریکا و یا مراکز خیریه در انگلیس کمک می‌کرد. این در حالی است که آمریکایی‌ها پس از فرار شاه او را به این کشور راه ندادند چون به دنبال این بودند که جای پای خود را در کشورمان حفظ کنند به همین دلیل به شاه گفتند که باید تا اکتبر در مکزیک بماند.

براساس پروژه‌ای که آمریکایی‌ها طراحی کرده بودند آنها به میانه‌روها و لیبرال‌های مذهبی در کشورمان دل بسته بودند با این وجود چند تیم از سیا به صورت مخفیانه به کشورمان آمدند تا با بررسی مسائل مختلف به راهکارهای لازم در این راستا که چگونه جمهوری اسلامی ایران را تسلیم کنند و یا حداقل یک حکومت دست‌نشانده را روی کار بیاورند دست یابند.

آمریکا ۳/۶ تا ۴ میلیارد دلار اجناس بنجل خود را به ایران صادر می‌کرد و در مقابل نفت ما را ارزان می‌خریدند و به جای پول آن اسلحه به ما می‌فروختند که این اسلحه‌ها هم فقط به درد خودشان می‌خورد چون ایران سگ آنها در منطقه بود؛ آمریکایی‌ها در آن زمان معتقد بودند که اگر بازار ایران نباشد صدها هزار نفر از مردم این کشور بیکار می‌شوند البته الان هم ما تعهد داده‌ایم که کارخانه‌های خودروسازی فرانسه را از تعطیلی نجات دهیم تا کارگران آنها بیکار نشوند و این اتفاق هم در سال تولید و اشتغال افتاده است در واقع ما برای انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها شغل ایجاد کرده‌ایم.

مگر کسی هست که نفهمد آمریکا نمی‌خواهد ما پیشرفت کنیم؟ کوروش، خشایار و داریوش پدر غرب و روم را درآورده بودند و حتی کوروش و داریوش امپراطوری غرب و روم را وادار به زانو زدن در مقابل خود کردند اما در حالی که پهلوی نوکر غربی‌ها بوده است.

برخی علما همچون علامه طباطبایی می‌گویند که کوروش ذوالقرنین است و اگر این گونه باشد ما باید افتخار کنیم. هخامنشی‌ها تا شمال مصر و آتن رفتند و در واقع امپراطوری غرب و روم را متلاشی کردند اگرچه اسکندر آمد و انتقام آنها را گرفت و صد سال بر ایران حکومت کرد.

در اسناد لانه جاسوسی آمده است که باید ایران را در برابر اسلام معرفی کنیم یعنی انتخاب کنیم که ایرانی هستیم یا مسلمان؟ دانشمندان بزرگی همچون خوارزمی، خواجه نصیر و ابوریحان و بسیاری از اکتشافات و اختراعات مربوط به بعد از اسلام در ایران هستند.

ما به تاریخ خود افتخار می‌کنیم و حتی امیدواریم که کوروش همان ذوالقرنین باشد، معیار ما انسان بودن و حق محور بودن است حال این فرد حق‌مدار می‌خواهد آمریکایی-آفریقایی و یا آسیایی باشد. در واقع در اسلام هیچ نژادی نژاد برتر و یا نژاد بدتر نیست و به لحاظ ارزشی نیز نژاد افتخاری برای مسلمانان محسوب نمی‌شود.

در اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی بر مسئله ایجاد شکاف قومیتی و شکاف مذهبی به ویژه بین شیعه و سنی و ایجاد دعوای ایران و اسلام تاکید شده چراکه بزرگترین تمدن تاریخ تمدن ایرانی اسلامی است و بعد از ورود اسلام به ایران هزاران نابغه تربیت شده‌اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آمریکا برای اینکه انقلاب را ساقط کند پیش‌بینی کرده بودند که اعتصابات کارگری و دانشگاهی در کشورمان به راه بیفتد و کارخانجات تعطیل شوند، آمریکا در راستای اهداف خود به گونه‌ای عمل کرد که ابتدا صادرات نفت در کشورمان سقوط کرد و بعد متوقف شد و این اقدام میلیاردها دلار هم به کشورمان خسارت وارد کرد با این وجود می‌توان گفت که تحریم کشورمان از سال ۵۸ شروع شده است.

جنگ تحمیلی پس از فتح لانه جاسوسی اتفاق افتاده است اما در اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی در مورد حمله عراق به کشورمان نیز بحث شده است، سوال این است که کدام یک از پروژه‌هایی که آمریکا از ابتدای انقلاب علیه کشورمان اجرا کرده الان در دست اجرا نیستند واقعیت این است که ما بارها از آنها گزیده شده‌ایم.

اعتقاد آمریکایی‌ها بر این بوده که باید لیبرال‌های مذهبی در ایران تقویت و در مقابل افراطیونی که تنها به حرف امام خمینی گوش می‌داده‌اند مهار شوند.

در اسناد به دست آمده تاکید شده است که اگر آمریکا ایران را از دست بدهد ۱۸ تا ۲۰ میلیارد دلار نفت کشورمان را از دست می‌دهد به همین دلیل آنها به لیبرال‌های مذهبی امید داشتند.

یکی از اهداف آمریکایی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی این بوده که برای بازگشت به کشورمان دست به انقلاب‌زدایی بزنند، در CIA آمریکا دانشگاه شکنجه، کودتا و انقلاب مخملی وجود دارد و در انگلیس نیز دکتری صلح می‌دهند به گونه‌ای که الان دو نفر از افرادی که از انگلستان دکتری صلح گرفته‌اند در کشورمان می‌آیند و در تلویزیون حرف می‌زنند و این در حالی است که دکتری صلح زیر نظر سرویس جاسوسی بریتانیا است.

امام با پیروزی انقلاب اسلامی تمام عمال ساواک را عفو کرد و سران آنها را به اعدام و زندان محکوم کردند با این وجود در حالی که خودشان در جریان انقلاب فرانسه هزاران نفر را کشته بودند برای اعدام نصیری و هویدا که یک همجنس‌باز بهایی بود جنجال راه انداختند.

ما افتخار می‌کنیم که ایرانی هستیم. برخی اعراب که بر ایران حکومت کردند جنایتکاران بنی‌امیه و بنی‌عباس بودند. در واقع عرب و عجم اگر جنایتکار باشند هر دو جهنمی هستند اما ما درود می‌فرستیم بر آن غربی، شرقی، عرب و ایرانی که خادم بشر هستند.

یکی از اهداف آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تسخیر لانه جاسوسی این بوده که برنامه جامعی را تهیه کنند تا براساس آن بتوانند کشورمان را کنترل کنند تا در هنگام خطر فشار لازم را به ما وارد کنند، اخیرا هم که شاهد بودیم رئیس‌جمهور آمریکا خطاب به اروپایی‌ها گفت که شما ایران را بدوشید و من فعلا جلوی شما را نمی‌گیرم در واقع هدف آنها دوشیدن ماست.

نیروی قدس، عراق و افغانستان را از حلقوم آمریکا بیرون آورد و الان می‌خواهند سپاه را مجازات کنند، در حالی که آنها می‌گویند که برجام نقض شده است اما جالب است که آقایان زیر بار نمی‌روند.

جرمی که آنها به ما نسبت می‌دهند این است که چرا قوی شده‌ایم و چرا سرنوشت شش کشور منطقه در دست کشورمان قرار دارد آنها می‌گویند که چرا ایران موشک می‌سازد و یا اینکه می‌گویند شما مخفیانه در حال ساخت بمب اتمی هستید.

آمریکایی‌ها از همان ابتدا می‌گفتند که سپاه به عنوان نگهبان سرسختانه انقلاب عمل می‌کند و هیچ محاسبه‌ای جز برای رسیدن به هدف نمی‌کند، سیا پیش‌بینی کرده بود که ایران دارای ۳۰ هزار نیروی عملیاتی می‌شود که با شجاعت برای هر عملیاتی آماده خواهند شد و حتی مرگ را برای خود یک افتخار محسوب می‌کنند. در هر حال آمریکایی‌ها در همان ابتدا مطرح کرده بودند که سپاه زیر نظر هیچ مجموعه نهاد و سازمانی نیست و فقط از خمینی دستور می‌گیرد و حتی مطرح کرده بودند که سن نیروهای آنها بین ۱۶ تا ۶۰ سال یعنی از بچه تا پیرمرد هستند.

چهارراه کالج

برگزاری پویش دانشجویی «لا یسکن دمی» در اربعین حسینی

ستاد اربعین قرارگاه شهید باقری بسیج دانشجویی با مشارکت دانشگاه‌های سراسر کشور پویشی بین‌المللی را به مناسبت پیاده‌روی ایام اربعین حسینی برگزار می‌کند.

در پویش بین‌المللی «#لا_یسکن_دمی» هر یک از زائران حسینی با عکس گرفتن به همراه شعار «لایسکن دمی» و ارسال آن به نشانی ادمین کانال @layaskon این پیام را به جهانیان می‌رساند که خونی که در بستر زمان جاری است هیچ گاه آرام نگیرد تا آنکه انتقام از یزیدیان زمان گرفته شود.

هر یک از زائران باید با در دست داشتن پوستر شعار «لایسکن دمی» عکسی را در این قالب بگیرد و به نشانی ادمین کانال تلگرام این پویش ارسال کند. زائران می‌توانند در هر موقعیتی از پیاده‌روی و سفر زیارتی خود هستند این کار را انجام دهند و بلافاصله عکس خود را ارسال کنند.

مسئولان کاروان‌ها می‌توانند به صورت متمرکز برای کاروان خود به تعداد لازم از پوسترهای موردنظر تهیه کنند، برای این کار باید با دبیرخانه پویش ارتباط گرفته شود.

مسئولان کاروان‌ها و زائران می‌توانند روی یک کاغذ سفید هم شعار «لا یسکن دمی» را بنویسند و عکس را ارسال کنند. حتی می‌توانید این شعار را روی کاغذ نوشته و پشت کوله خود بچسبانید. زائران می‌توانند عکس‌ها و محتواهایی با محوریت استکبارستیزی و وحدت اسلامی را در تلفن‌های همراه خود ذخیره کنند و به زائرین دیگر کشورها ارسال کنند.

داوطلبان برای هر گونه کمک و همکاری به پویش در قالب‌های مختلف و در کشورهای مختلف به آیدی کانال تلگرام پویش به نشانی @layaskon پیام دهند.

کوتاه از آموزش عالی

۱۴ دانشگاه ایرانی در میان برترین‌های جهان

بر اساس نتایج منتشر شده پایگاه خبری یو.اس.نیوز در سال ۲۰۱۸، ۱۴ دانشگاه از کشورمان در فهرست دانشگاه‌های برتر جهان قرار گرفتند.

به گزارش اداره روابط عمومی و همکاری‌های علمی بین‌المللی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، محمدجواد دهقانی سرپرست ISC گفت: پایگاه خبری یو.اس.نیوز چهارمین فهرست دانشگاه‌های برتر دنیا را اوایل آبان ماه سال ۱۳۹۶ منتشر کرد، رتبه‌بندی یو.اس.نیوز یکی از رتبه‌بندی‌های معتبر و پرمخاطب در سطح دنیاست که از سال ۲۰۱۵ میلادی اقدام به رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در سطح جهانی کرده است. یو.اس.نیوز در فهرست نتایج سال ۲۰۱۸ تعداد دانشگاه‌های مورد ارزیابی خود را از ۱۰۰۰ دانشگاه در سال ۲۰۱۷ به ۱۲۵۰ دانشگاه افزایش داده است.

دهقانی اظهار داشت: بخشی از اطلاعات مورد نیاز رتبه‌بندی یو.اس.نیوز از طریق نظرسنجی و بخشی دیگر نیز از پایگاه استنادی وب.آو.ساینس برای بازه ۵ ساله ۲۰۱۱-۲۰۱۵ تهیه می‌شود.

در رتبه بندی سال ۲۰۱۸ میلادی دانشگاه هاروارد رتبه نخست جهان را کسب کرد. موسسه فناوری ماساچوست و دانشگاه استنفورد نیز به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم جدول را کسب کردند.

بر اساس نتایج منتشر شده پایگاه خبری یو.اس.نیوز سال ۲۰۱۸، تعداد ۱۴ دانشگاه از کشورمان توانستند خود را در فهرست دانشگاه‌های برتر جهان قرار دهند.

دانشگاه تهران توانست در سال ۲۰۱۸ رتبه اول ایران و ۴۶۲ جهان را کسب کند. دانشگاه‌های آزاد کرج، صنعتی شریف رتبه‌های دوم و سوم ایران و همچنین دانشگاه‌های صنعتی اصفهان، صنعتی امیرکبیر، پزشکی تهران، علم و صنعت ایران، تربیت مدرس، فردوسی مشهد، تبریز، اصفهان، پزشکی شهید بهشتی، پزشکی شیراز و نوشیروانی بابل نیز از دیگر دانشگاه‌های برتر کشور هستند که توانسته‌اند در فهرست ۱۲۵۰ دانشگاه برتر دنیا جا گیرند و این در حالی است که در سال گذشته تعداد دانشگاه‌های کشور در فهرست یو.اس.نیوز برابر با ۱۱ دانشگاه بوده است.

سه دانشگاه اصفهان، علوم پزشکی شیراز و دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل نیز اولین سالی است که در فهرست جهانی رتبه‌بندی یو.اس نیوز حضور یافته‌اند.